

The Role of Jewish Iranians in the Discovery and Sale of Antiquities in the Qajar Era (1847 –1925)

Mohammad Reza Askarani¹ | Mansour Mousavi²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Ancient Iranian civilization has provided the world with unique artefacts. With the advent of western explorers, in the 19th century these artifacts were systematically discovered and reached European markets. At the same time, illicit explorations and making counterfeit items became common. A number of Jewish Iranians became engaged in the business of discovery and sale of antiquities. Their involvement had both positive and negative consequences. Such consequences are reported in the present study

Method and Research Design: Archival records as well as library resources were studied to collect data.

Findings and Conclusion: Plenty of archeological items were taken to abroad. European dealers employed locals to buy antiques kept in people's homes. The lucrative business attracted many Iranians including Jews illegal excavation and sale of items.

Keywords: Jews, Qajaris, Illegal Excavations, Antiques, Constitutional.

Citation: Askarani, M., Mosavi, M. (2021). The Role of Jewish Iranians in the Discovery and Sale of Antiquities in the Qajar Era (1847 –1925). *Ganjine-ye Asnad*, 31(3), 90-119.

doi: 10.30484/ganj.2021.2719

1. Associate Professor, Department of History, Payame Noor University, I. R. Iran

askarani@pnu.ac.ir

2. PhD student in Islamic history of Iran, Payame Noor University,

Tehran, I. R. Iran (Corresponding Author)

mansour.mosavi@yahoo.com

Copyright © 2021, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«123»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2021.2719

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 3, Autumn 2021 | pp: 90 - 119 (30) | Received: 30, Jul. 2019| Accepted: 3, May. 2020

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

نقش ایرانیان یهودی در کشف و فروش آثار عتیقه در دوره قاجار (۱۲۶۴-۱۳۴۴ ق/ ۱۸۴۷-۱۹۲۵ م)

محمد رضا عسکرانی^۱ | منصور موسوی^۲

چکیده:

تمدن کهن ایران شاه کارهای هنری بی نظیری به جهان عرضه کرده است. ارزش و اهمیت این شاه کارها و آزمندی سوداگران موجب شده است که این آثار پیوسته مورد تعرض و دستبرد قرار گیرند. با ورود کاوش گران غربی، آثار باستانی ایران به صورت روشمند کشف شد و به بازارهای دیگر کشورها راه یافت. در پی افزایش حضور اروپاییان، خرید و فروش «عتیقه جات»، کاوش های غیرقانونی، و ساخت آثار عتیقه بدلی در ایران رونق گرفت. ایرانیان یهودی نیز در این بازار وارد شدند. حضور ایشان در کشف و فروش آثار عتیقه، جنبه های مثبت و منفی زیادی داشت.

هدف: بررسی وجوه مختلف نقش ایرانیان یهودی در کشف و فروش آثار تاریخی دوره قاجار.

روش / رویکرد پژوهش: رویکرد مقاله حاضر «کیفی»^۳ و «توصیفی-تحلیلی»^۴ است و داده ها به روش «اسنادی»^۵ و بر پایه منابع «کتابخانه ای»^۶ گردآوری شده اند.

یافته ها و نتیجه گیری: بسیاری از آثار تاریخی ایران را اروپائیان از ایران خارج کردند. آن ها در دوره قاجار از افراد دوره گرد استفاده کردند و عتیقه های موجود در خانه ها را به واسطه ایشان خریدند. فعالیت در این حوزه به حدی سودآور بود که گروهی از یهودیان به صورت انحصاری به حفاری غیررسمی یا خرید و فروش آثار عتیقه می پرداختند و از این راه امرامعاش می کردند. کشف و خرید و فروش آثار عتیقه در دوره قاجار به یهودیان منحصر نبود و سایر ایرانیان نیز به آن می پرداختند.

کلیدواژه ها: یهودیان؛ قاجار؛ حفاری های غیرقانونی؛ عتیقه؛ مشروطه.

استناد: عسکرانی، محمد رضا، موسوی، منصور. (۱۴۰۰). نقش ایرانیان یهودی در کشف و فروش آثار عتیقه در دوره قاجار. *گنجینه اسناد*، ۳۱(۳)، ۹۰-۱۱۹. | ۱۰۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۱,۲۷۱۹ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۱,۲۷۱۹

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ایران

askarani@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی،

دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

mansour.mosavi@yahoo.com

3. Qualitative research

4. Descriptive-analytical

5. Documentary method

6. Library method



گنجینه اسناد

«۱۲۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۱,۲۷۱۹

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۱، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۰ | صص: ۹۰-۱۱۹ (۳۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۸

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

در سده سیزدهم هجری قمری/نوزدهم میلادی رقابت‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی به حوزه «باستان‌شناسی» نیز کشیده شد. فتوحات ناپلئون در مصر و انتقال آثار بارزش آن کشور به موزه‌های اروپا و سپس عطش کشف گنجینه‌های تمدن‌های قدیمی مشرق‌زمین پای باستان‌شناسان متعددی را در این عصر به ایران باز کرد. برخی از این محققان شیفته فرهنگ و تمدن ایرانی شدند و آثار ماندگاری را پدید آوردند. بر اثر فعالیت ایشان، تعدادی از محوطه‌های باستانی کاوش شد و کتاب‌ها و مقالات آن تحوّل را در نوشتن تاریخ ایران ایجاد کرد. تدوین مستند تاریخ ایران توسط محققان غربی خدمتی بزرگ در معرفی ابعاد مختلف تمدن ایرانی به جهان بود.

با وجود جنبه‌های مثبت فعالیت باستان‌شناسان غربی، برخی رویکردهای تجاری، سیاسی و گاه غیرعلمی در برخورد با آثار باستانی چند هزارساله خاورمیانه و از جمله ایران زیان‌هایی را به میراث معنوی این منطقه وارد آورد. توجه روزافزون به باستان‌شناسی هر چند تمدن‌های درخشان ملل قدیم مشرق را به جهان معرفی کرد، ولی با فراگیر شدن تب مطالعات باستان‌شناسی و توسعه علم «عتیقه‌شناسی»، رویکرد اقتصادی و تجاری به آثار عتیقه و تاریخی نیز رواج یافت و همین امر به کیفیت کشف و برخورد علمی با این آثار لطمه زد.

مطالعات باستان‌شناسان غربی در ایران را بیشتر هیئت‌های فرانسوی و انگلیسی انجام می‌دادند. کاوش‌های هر کدام از این هیئت‌ها مسیری متفاوت را طی می‌کرد؛ به طوری که شناسایی و بررسی میزان آسیب‌های وارده بر پیکره آثار تمدنی و باستانی ایران در دوره قاجار توسط هر یک از این هیئت‌ها، نیازمند انجام مطالعه‌ای مستقل است.

تا پیش از دوره قاجار خریداران بیشتر به اشیای ساخته‌شده از فلزات گران‌بها و سنگ‌های قیمتی توجه نشان می‌دادند. ولی زمانی که اروپاییان برای اشیای به‌ظاهر کم‌بهای قدیمی نیز ارزش مادی قائل شدند و به کشف یا خرید این قبیل آثار پرداختند، بازار هر آنچه باستانی و عتیقه می‌نمود داغ شد. با ورود جویندگان و کاوش‌گران غربی به حوزه کشفیات باستان‌شناسی، آثار تاریخی ایران به مراکز خرید و فروش عتیقه و موزه‌های معتبر کشورهای دیگر راه یافت و این امر موجب پیدایش بازارهایی رسمی و غیررسمی برای خرید و فروش آثار باستانی با عنوان بازار «عتیقه‌جات» شد. ورود گسترده ایرانیان به عرصه حفاری‌های غیررسمی، غیرعلمی و خرید و فروش آثار برجای‌مانده از تمدن‌های گذشته، با حضور اروپاییان جوینده و خریدار عتیقه ارتباط مستقیم داشت و وفور مکان‌های باستانی در ایران، انگیزه‌های نیرومند برای کاوش در اماکن قدیمی ایجاد می‌کرد. افراد زیادی در یافتن اشیای



با ارزش مهارت پیدا کردند و یهودیان ایران به‌ویژه در شهرهای اصفهان و همدان به فعالیت در این زمینه پرداختند.

مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که ایرانیان یهودی در بازه زمانی سلطنت ناصرالدین‌شاه تا جنگ جهانی اول چه نقشی را در کشف و خریدوفروش آثار عتیقه داشته‌اند؟

چنین فرض می‌شود که ایرانیان یهودی با استفاده از آزادی نسبی ایجادشده بر اثر پیروزی مشروطه برای بهبود وضعیت اقتصادی خود کوشیدند و در کشف و خریدوفروش آثار عتیقه - که سودی سرشار داشت - حضوری فعال داشتند.

تمرکز بر فعالیت ایرانیان یهودی در کشف و فروش آثار عتیقه دوره قاجار به این معنا نیست که ایرانیان اقوام و ادیان دیگر در این زمینه فعالیت نمی‌کردند، بلکه هدف پرداختن به گوشه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی ایرانیان یهودی در دوره قاجار است که بخشی از موضوع تحقیق دانشگاهی در حال انجامی محسوب می‌شود.

بررسی چگونگی نقش ایرانیان یهودی در کشف و خریدوفروش آثار عتیقه دوره قاجار بسیار به‌ندرت در متون تاریخی این دوره و منابع اصیل بازتاب یافته‌است و همین امر پژوهش درباره آن را دشوار می‌کند. سفرنامه‌های اروپاییان تاحدودی به وضعیت زندگی و مشاغل یهودیان جامعه ایرانی پرداخته‌اند و بعضی از این سفرنامه‌ها به زندگی و نحوه فعالیت یهودیان به‌ویژه در زمینه حفاری‌های غیرقانونی و جعل آثار و اشیاء تاریخی توجه نشان داده‌اند. اسناد به‌جامانده درباره یهودیان نیز اندک است و بیشتر مربوط به دوره پساقاجار است. از اسناد منتشرشده می‌توان به مجموعه‌ای اشاره کرد که مرضیه یزدانی (۱۳۸۰) منتشر کرده‌است. در این کتاب اسناد فعالیت‌های هیئت‌های باستان‌شناسی داخلی و غربی در ایران از سال ۱۲۵۴ تا ۱۳۴۵ ش، به‌صورت موضوعی و زمانی تنظیم شده‌است و اسنادی از حضور و فعالیت یهودیان در حفاری‌های داخلی نیز عرضه شده‌است. مقالات پراکنده‌ای هم وجود دارد که به فعالیت هیئت‌های باستان‌شناسی و هم‌چنین وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایرانیان یهودی می‌پردازد. از جمله علی‌محمد طرفداری (۱۳۹۶) به موضوع «کاوش‌های باستان‌شناسانه و عتیقه‌یابی سیاحان و شرق‌شناسان اروپایی در عهد قاجار» توجه نشان داده‌است؛ ولی از اسناد موجود استفاده نکرده‌است. عباس زارعی مهرورز و لیلا شریفی (۱۳۹۳) نیز درباره فعالیت‌های اقتصادی یهودیان همدان در روزگار قاجار، مقاله‌ای منتشر کرده‌اند؛ ولی در آن به فعالیت در زمینه کشف و فروش آثار عتیقه که یکی از مشاغل یهودیان همدان بوده‌است پرداخته‌اند. هایدیسه سهیم (۱۳۷۵) نیز با واکاوی خاطرات یهودیان از دوره‌ای طولانی، به وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایرانیان یهودی

از جمله در عهد قاجار پرداخته است. گزیده‌ای کوتاه هم از نوشته‌های چارلز عیسوی (۱۳۸۹) درباره وضعیت یهودیان در دوره قاجار منتشر شده است. نویسندگان نوشتار حاضر با مرور تحقیقات منتشر شده قبلی از نتایج آن‌ها سود برده‌اند؛ ولی درباره نقش ایرانیان یهودی در کشف و خرید و فروش آثار عتیقه پژوهشی کامل و مستقل به نظر آنان نرسیده است و مقاله حاضر از این جهت جنبه توسعه‌ای دارد.

۲. هیئت‌های باستان‌شناسی و حفاری در محوطه‌های باستانی ایران

در پی افزایش حضور سیاحان، مأموران، و بازرگانان اروپایی در ایران بعد از دوره تیموری، مطالعات و کندوکاوهای باستان‌شناسی نیز یکی از محورهای فعالیت‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی آنان شد. در دوره قاجار طیفی گسترده از جویندگان عتیقه، پژوهش‌گران مسائل دینی و تاریخی، مأموران سیاسی و پژوهش‌گران غربی به ایران سفر کردند و به کاوش در آثار و فرهنگ و تمدن ایرانی پرداختند. در این دوره کاوش‌های اروپاییان در آثار باستانی ایران شکلی روشمند و هدفمند یافت و بر شناسایی و کشف آثار باستانی متمرکز شد. فرانسویان از دوره ناصرالدین شاه به‌طور انحصاری در زمینه مطالعه علمی و حفاری‌های برنامه‌ریزی شده - به‌ویژه در منطقه شوش - دست‌به‌کار شدند. این حضور که با تأیید و توافق رسمی دولت وقت ایران آغاز شد، در عمل، به‌نوعی جنبه استعماری نیز به‌خود گرفت. با پیروزی جنبش مشروطه به این قبیل کاوش‌های باستان‌شناسی - به‌ویژه کاوش‌های فرانسویان - انتقاد شد؛ ولی امتیاز انحصاری کاوش‌های باستان‌شناسی فرانسویان تا سال ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م هم‌چنان ادامه داشت. مجلس در این زمان برای جلوگیری از سرقت آثار عتیقه، قوانینی را درباره حفاریات باستان‌شناسی وضع کرد و کوشید تا تسلط انحصاری فرانسویان در این زمینه را از بین ببرد؛ ولی به‌دلیل نیاز کشور به پیشرفت‌های علمی و ضرورت استفاده از متخصصان اروپایی نتوانست چندان جدیتی به خرج دهد و به‌این ترتیب نه‌تنها در خروج غیرقانونی اشیای عتیقه از کشور تغییری حاصل نشد، بلکه هیئت‌های حفاری جدیدی نیز از کشورهای غربی وارد معرکه شدند (یزدانی، ۱۳۷۵، صص ۹۶-۹۷). کار به‌جایی رسید که پس از مشروطه، سفارت‌خانه‌های اروپایی بدون هیچ ملاحظه‌ای افرادی را برای کشف آثار تاریخی اجیر می‌کردند؛ چنان‌که براساس گزارش امین مالیه شهریار «یک نفر غلام سفارت با دو نفر یهودی بعد از رفتن وزیرمختار انگلیس از خوار، به حفر امام‌زاده ذوالفقار که در اراضی کهن‌آباد خالصه واقع است، مشغول شدند. غلام سفارت اظهار داشت که از طرف چرچیل [دبیر امور شرقی سفارت] مأموریم برای حفر. چون حکمی از خزانه‌داری کل در دست نداشتند، لهذا جداً جلوگیری شد»



(ساکما، ۱۲۹۳ق، ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۶۲). ولی مأموران سیاسی انگلیس دست‌بردار نبودند؛ به‌نحوی که کمتر از چهار روز بعد (۱۹ فروردین ۱۲۹۳) امین مالیه بازهم گزارش می‌دهد: «...یک نفر غلام دیگر از سفارت انگلیس با چهار نفر یهودی... دوباره مشغول حفر شدند و سه عدد کاسه بشقاب چینی پیدا شده [را] به‌توسط غلام سابق به شهر فرستادند» (ساکما، ۱۳۳۲ق، ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۵۹). تلگرافی نیز از طرف سفارت انگلیس برای معاون وزارت مالیه فرستاده شد که اخطار می‌داد: تپه ذوالفقار «موافق اسناد صحیحه متعلق به جناب وزیرمختار انگلیس است» و تأکید می‌کرد: «خزانه‌دار کل در این باب به شما دستورالعمل خواهند داد و البته بعد از این، به‌هیچ‌وجه در این مسأله دخالت نخواهید کرد» (ساکما، ۱۳۳۲ق، ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۵۵). دیری نگذشت که از طرف خزانه‌داری کل هم دستور داده شد: «چنانچه مسیو چرچیل و رحیم‌نام در شهریار در صدد حفريات برآیند، نباید از آن‌ها مخالفت نمایند» (ساکما، ۱۳۳۲ق، ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۲۸۱).

صدور این دستور چندان شگفت‌آور نبود؛ زیرا «ژوزف مرنا» بلژیکی که از سال ۱۳۳۰ق/۱۹۱۱م به خزانه‌داری کل ایران منصوب شده بود، هرچند به‌طرفداری از روسیه مشهور بود، ولی به‌زودی معلوم شد که حاضر نیست هیچ‌یک از قدرت‌های بزرگ را از خود برنجانند و به‌زودی توانست رضایت روس و انگلیس و تاحدی دولت ایران را کسب کند (دستره، ۱۳۶۳، صص ۲۱۶، ۲۲۰). پیگیری‌های کارکنان محلی دولت ایران هم به‌جایی نرسید و کلیمی‌هایی که در تپه ذوالفقار و اراضی دولتی حفاری کرده بودند و مقدار زیادی اشیای عتیقه را برده بودند بازگشتند و به پشت‌گرمی کارکنان سفارت انگلیس به کارشان ادامه دادند (ساکما، ۱۳۳۳ق، ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۹).

روس‌ها نیز در مواردی مداخله می‌کردند و نامه‌هایی را توسط سفارت‌خانه و کنسولگری‌هایشان برای تأثیرگذاری بر امور قضائی و محاکمات مربوط به مالکیت عتیقه‌های کشف‌شده به وزارت امور خارجه می‌فرستادند (ساکما، ۱۳۳۱ق، ۳۳۰/۰/۰۰/۴۷). مطالعات و حفاری‌های هیئت‌های باستان‌شناسی اروپایی و به‌ویژه فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها، هرکدام مستقل انجام می‌شد و گاه مسیری متفاوت را طی می‌کرد. فعالیت این جویندگان سبب سرازیر شدن اشیای نفیس تاریخی کشور به موزه‌ها و بازارهای خرید و فروش آثار عتیقه در دیگر کشورها شد و آنان جزو نخستین کسانی بودند که نگاه و برخورد تجاری با آثار فرهنگی را در ایران رواج دادند. هرچند شرق‌شناسان و ایران‌شناسانی نظیر ارنست امیل هرتسفلد (۱۸۷۹-۱۹۴۸م) و اریک فریدریش اشمیت آلمانی (۱۸۹۷-۱۹۶۴م) یا آندره گدار فرانسوی (۱۸۸۱-۱۹۶۵م) در کشف و معرفی آثار باستانی ایران و تهیه شناسنامه‌های جدید برای بسیاری از آثار و تأمین اسناد و مدارک مادی

برای تدوین تاریخ ایران و تغییر دیدگاه‌های رایج درباره آثار تاریخی برجسته مربوط به ایران باستان نقشی اساسی ایفا کردند، ولی با تبدیل آثار تاریخی و هنری ایران به کالاهای تجاری و ایجاد بازار برای «عتیقه‌جات» موجب خروج بخشی عظیم از میراث فرهنگی و تاریخی ایران شدند. به‌طور تقریبی، هم‌زمان با حضور اروپاییان جوینده و خریدار عتیقه، ایرانیان نیز برای به‌دست آوردن آثار تمدن‌های گذشته به‌صورتی کم‌سابقه به عرصه خرید و فروش و حفاری‌های غیررسمی و غیرعلمی روی آوردند.

آنچه در این زمان بر سر میراث فرهنگی ایران آمد، نتیجه جهل، سودجویی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی نامناسبی بود که سراسر این دوره را دربر گرفته بود. از اندک اقدامات انجام‌گرفته برای حفظ آثار و توجه به ابنیه باستانی، اشاره‌ای کوتاه در قانون بلدیة بود که در سال ۱۲۸۵ش به تصویب رسید. در فصل اول این قانون، هدف اصلی تأسیس بلدیة، حفظ منافع شهرها و ایفای نیازهای اهالی شهرنشین معرفی شده بود و «دایر نمودن موزه‌ها و حفظ و مرمت مسجد و مدارس و ابنیه عتیقه» جزو وظایف مربوط به بلدیة دانسته شده بود (روزنامه مجلس، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۲۸۵، ص ۲). در همین راستا در اصفهان درزمینة محافظت و مرمت آثار و ابنیه‌های تاریخی اقداماتی قابل توجه انجام شد (ندای وطن، سال دوم، شماره ۴، ۱۰ شوال ۱۳۲۵، ص ۲). با وجود این، به دلیل اعطای انحصاری امتیاز کاوش‌های باستان‌شناسی به بیگانگان و نبود حمایت و نظارت جدی دولت، این اصل مهم تا سال‌ها نادیده گرفته شد؛ به‌نحوی که برخی از روزنامه‌های این زمان به‌شدت به کارگزاران حکومتی تاخته‌اند و از آنان به دلیل این که با داشتن نفوذ و نسبتی با دربار، به تاراج اموال عمومی و تخریب اماکن تاریخی پرداخته‌اند انتقاد می‌کنند (انجمن بلدیة، سال اول، شماره ۵، رمضان ۱۳۲۵، ص ۲). نخستین اقدام جدی درزمینة حفظ آثار و اشیاء باستانی با تأسیس «انجمن آثار ملی» در سال ۱۳۰۱ش انجام شد و با تصویب قانون حفظ آثار عتیقه در سال ۱۳۰۶ش توسط مجلس شورای ملی (علی‌شاهی قلعه‌جوقی و دهقان سیمکانی، ۱۳۹۳، ص ۶۵)، زمینة تصویب نظام‌نامه اجرائی آن در ۱۲ آبان ۱۳۰۹ فراهم شد (روزنامه مجلس، ۱۲ آبان ۱۳۰۹، ص ۳).

۳. فعالیت یهودیان ایران در حفاری محوطه‌های باستانی

در دوره ناصرالدین‌شاه با ورود «دیولافوا» امتیاز حفاریات باستان‌شناسی در سراسر ایران به‌طور انحصاری به فرانسه واگذار شد و سپس «دومرگان» برای سکونت باستان‌شناسان آن کشور قلعه شوش را بر روی تپه‌ای تاریخی بنا کرد. به‌زودی گنجینه‌های فراوانی از محل همین قلعه و دیگر مناطق ایران کشف شد و در عهد مظفرالدین‌شاه نیز قرارداد تکمیلی



دیگری در پاریس به امضای رسید که فرانسویان را صاحب امتیازات بیشتری کرد (لوسوئور، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲).

پس از موفقیت باستان‌شناسان فرانسوی، دیگر کشورها نیز به کندوکاو بیشتر در محوطه‌های باستانی ایران ترغیب شدند و برخی اتباع ایرانی مانند یهودیان نیز بخت خود را در این زمینه آزمودند و جزو نخستین گروه‌هایی بودند که وارد این عرصه شدند.

بررسی وضعیت معیشتی ایرانیان یهودی نشان می‌دهد که با وجود حمایت‌هایی که در دوره ناصری از آنان انجام شد و همچنین تحولاتی که بر اثر برپایی مشروطه در جامعه ایرانی پدیدار شد، تغییری قابل توجه در جایگاه اجتماعی و معیشتی آن‌ها ایجاد نشد و آن‌ها همچنان گرفتار برخی محدودیت‌های اجتماعی بودند. برای نمونه در شهری مانند اصفهان که محل زندگی یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های یهودی ساکن در ایران محسوب می‌شد، محله آنان کثیف، نیمه‌ویرانه و پر از گدا بود (اوبن، ۱۳۶۲، صص ۳۰۶-۳۰۷). یهودیان بیشتر به حرفه‌هایی مشغول می‌شدند که دیگران از آن‌ها روی گردان بودند (ویلز، ۱۳۶۸، ص ۱۱۴؛ سرنا، ۱۳۶۲، ص ۵۸)؛ آنان به مشاغلی از قبیل قصابی، بقالی و فروش دارو می‌پرداختند (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸، ص ۱۱۸). در زمان ناصرالدین شاه برخی از یهودیان با ابریشم‌بافی و تراش شیشه زندگی را می‌گذراندند و برخی نیز آمونیاک و اسیدهای معدنی تولید می‌کردند؛ همچنین در ضرب سکه و کارهای فنی این هنر هم مهارت یافته بودند. زرگری و جواهرسازی نیز جزو مشاغل آنان بود و طبای معتبری هم بین آنان یافت می‌شد که گاهی در دربار خدمت می‌کردند (پولاک، ۱۳۶۸، ص ۲۸)؛ ولی بیشتر آنان به حرفه‌هایی مانند دلاکی، سپوری، تولید مشروبات الکلی، ساخت ساز و نواختن موسیقی، رقاصی و بارکشی اشتغال داشتند که شغل‌هایی پست شمرده می‌شد (کرزن، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۲۹۳؛ لوتی، ۱۳۷۰، صص ۸۴-۸۵).

در مجموع ایرانیان یهودی در دوره قاجار آزادی عمل چندانی برای انتخاب شغل نداشتند و در مناسبات اجتماعی با مشکلاتی روبه‌رو بودند. اندک بهانه‌ای نیز زمینه زدوخوردهای هولناک را بین مسلمان و آنان فراهم می‌آورد و عده‌ای در این بین کشته می‌شدند (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲، ص ۳۲). همین امر موجب تنگی معیشت آنان می‌شد و سبب می‌شد تا برخی از کارهای دور از شأن و منزلت انسانی و اجتماعی در بین آنان دیده شود (ویلز، ۱۳۶۸، ص ۱۱۴).

در عصر صفوی سالیانه یک مثقال (حدود ۴/۶ گرم) طلا از هر مرد بالغ یهودی جزیه گرفته می‌شد که این وضعیت کم‌وبیش تا روی کار آمدن قاجار نیز ادامه داشت (شریفی، ۱۳۸۷، صص ۱۸۷-۱۹۳). در زمان محمدشاه سرپرست هر خانواده مسیحی یا

یهودی ناگزیر بود سالیانه مبلغی را به عنوان جزیه بپردازد که مسلمانان از آن معاف بودند (دوسرسی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۷)؛ ولی از نیمه دوره قاجار، زمینه تغییراتی در زندگی و معیشت ایرانیان یهودی پدیدار شد. هنگام مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا، آدولف کرمیو مؤسس «اتحاد جهانی یهود» در ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۹۰ ق/ ۱۲ ژوئیه ۱۸۷۳ م با او در فرانسه دیدار کرد و رسیدگی به وضعیت یهودیان ایران را خواهان شد. شاه نیز با تأسیس مدارس آلیانس موافقت کرد (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، ص ۱۴۹). به این ترتیب «اتحاد جهانی یهود» از سال ۱۸۹۸ م فعالیتش را در ایران آغاز کرد و تا هنگام بروز مشروطه یازده مدرسه با ۲۲۲۵ دانش آموز در شهرهای مختلف برپا کرد. به نوشته سفیر فرانسه در ایران، بروز نهضت مشروطه موجب بهبود وضعیت عمومی ایرانیان یهودی شد و آنان دیگر نه ناچار بودند از لباس های مخصوص استفاده کنند و نه جزیه بپردازند. حاکمان نیز رفتاری ملایم تر را با آنان در پیش گرفتند و دولت ایران هم سفارت فرانسه را به عنوان نماینده نیمه رسمی یهودیان ایران پذیرفت (اوبن، ۱۳۶۲، صص ۳۰۸-۳۱۱).

اینکه یهودیان ایران از چه زمانی حفاری در محوطه های باستانی و خرید و فروش آثار و اشیای مکشوفه را شروع کردند به درستی مشخص نیست؛ ولی آنچه به روشنی قابل استناد است گسترش این نوع فعالیت ها در دوره قاجار و در ارتباط مستقیم با حضور هیئت های باستان شناسی خارجی در ایران بوده است. در این دوره به چند دلیل فعالیت گنج یابی شدت گرفت: نخست نبود قانونی مشخص درباره وضعیت کشف و مالکیت اشیای باستانی و دفینه ها که تا سال ها پس از پیروزی مشروطه هیچ حساب و کتابی در کار نبود و دیگر این که فعالیت بی سابقه هیئت های باستان شناسی خارجی موجب به وجود آمدن بازار رسمی و غیر رسمی داخلی و بین المللی شد و بازار تجارت عتیقه گرم شد. در ایران پیش از اینکه باستان شناسی به عنوان علم، حق انحصاری یافتن اشیای باستانی را در دست بگیرد، هر کس بر حسب تصادف دفینه ای می یافت آن را حق مسلم خود می پنداشت (رفیعی آتانی و چوبک، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸) و یا هرگاه «به موجب قباله شرعی» عتیقه ای از «اشخاص معروف» می خرید، به حکم مراجع تقلید استناد می کرد و آن را به خود متعلق می دانست (ساکما، ۱۳۲۸ ق، ۳۶۰/۳/۸۰/۶).

محوطه هایی که اشیای عتیقه در آن ها یافت می شد، بیشتر گورستان های باستانی و اماکنی دور افتاده بودند که کندوکاو در آن ها معمول نبود. در این بین، برخی ایرانیان یهودی که وضعیت معیشتی مناسبی نداشتند، برای گذران زندگی به حفاری و گنج یابی در این مناطق مشغول شدند و در گذر زمان در یافتن اشیای باارزش مهارت پیدا کردند. این کسب و کار به اندازه ای سودآور شد که گروهی از یهودیان به صورت انحصاری از این طریق



امرار معاش می‌کردند. حضور رسمی یهودیان در حفاری محوطه‌های باستانی با دریافت مجوزهایی بود که جدای از امتیازات انحصاری فرانسه، از جانب وزارت معارف برای آنان صادر می‌شد (ساکما، ۱۲۹۱ش، ۲۹۷/۲۰۶۹۱؛ ساکما، ۱۳۳۰ق، ۲۹۷/۲۰۶۹۷). وزارت معارف در برابر صدور مجوز حفاری برای یهودیان از آن‌ها تعهدنامه‌ای با شرایط زیر می‌گرفت:

۱- سی درصد مسکوکات نقره و طلا و جواهرآلات و زینت‌آلات استخراج‌شده به دولت متعلق خواهد بود. ۲- مسکوکات در صورتی که به‌طور دفینه‌استخراج شود، به دولت متعلق خواهد بود و یابندگان فقط ده درصد از آن را از وزارت معارف دریافت خواهند کرد. ۳- اثاثیه سلطنتی و آثار تاریخی از قبیل تاج و تخت، شمشیر، خود، زره، سپر و کتیبه‌های تاریخی و اشیاء منقور به اسم سلاطین به دولت متعلق است و باید سالم به اداره عتیقات تسلیم شود (ساکما، ۱۳۳۱ق، ۲۹۷/۰/۲۰/۵۸۴).

با فراگیر شدن تب مطالعات باستان‌شناسی و افزایش حضور اروپاییان جوینده و خریدار عتیقه در ایران، بازارهای رسمی و غیررسمی این قبیل آثار در داخل و خارج داغ شد و اشتغال یهودیان در این زمینه به دلیل درآمد بسیارش بیشتر شکل غیرقانونی به خود گرفت. حفاری‌های غیرقانونی یهودیان در نقاط مختلف ایران به جایی رسید که صدای سفارت فرانسه را درآورد و این سفارت از فعالیت یهودیان در کندوکاو محوطه‌های باستانی به وزارت خارجه ایران شکایت کرد. وزارت خارجه هم این موضوع را در نامه‌ای به اطلاع وزارت داخله رساند و پیگیری مسئله را خواهان شد. وزارت داخله نیز به حاکمان ولایت‌های مرکزی و غربی دستوری به صورت کلی به این مضمون صادر کرد:

«... امتیازات حفاریات در املاک و اراضی متعلق به دولت در چند سال قبل به اتباع فرانسه اعطا شده و در اغلب نقاط هم حفاریاتی نموده‌اند و این اوقات از سفارت فرانسه شکایت شده است که بعضی اشخاص از قبیل جماعت یهود و غیره برخلاف معاهده در عمل حفاریات مداخله می‌نمایند. لازم است قدغن [غدغن] فرمایید، در صورتی که بعضی اشخاص بدون اجازه دولت و خلاف معاهده در اراضی متعلق به دولت - که حفاریات آن به اتباع فرانسه اعطا شده است - مداخله نمایند، باید جلوگیری نمایند که رفع شکایت سفارت فرانسه گردد» (ساکما، ۱۳۳۴ق، ۲۹۴۲/۲۹۰).

یهودیان شیوه‌ای خاص برای حفر زمین و محوطه‌های تاریخی داشتند. آنان برای آن‌که حفاری با حداقل کوشش انجام شود، ابتدا بستر رودخانه نزدیک به محل مدنظر را تغییر می‌دادند و وقتی به اندازه کافی رطوبت در جایی که می‌خواستند ایجاد می‌شد، آب را به بستر اصلی برمی‌گرداندند و سپس به بیرون آوردن عتیقه از زمین می‌پرداختند. این اقدام

۱. اصطلاح دفینه به معنی گنج و گنجینه است و در اینجا منظور سکه به تعداد زیاد و یا به همراه آثار دیگر است.



هرچند به روند کشف و استخراج سرعت می‌بخشید، ولی صدماتی را به آثار و به‌ویژه اشیای گلی و سفالی وارد می‌کرد. در یکی از همین حفاری‌ها بود که یهودیان توانستند به میناهای ایرانی دوره اشکانی و سکه‌هایی با نوشته یونانی دست پیدا کنند (لوسوئور، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴).

مکاتبات دولتی بعد از مشروطه از افزایش فعالیت غیرقانونی ایرانیان یهودی درزمینه حفاری و استخراج و معاملات غیرقانونی عتیقه حکایت دارد. برای نمونه در ۱۸ جمادی‌الآخر ۱۳۲۸ق/ ۲۷ ژوئن ۱۹۱۰م وزارت فواید عامه این درخواست را به وزارت داخله فرستاد:

«... جمعی از کلیمیان در ساوجبلاغ تهران مشغول به حفر اراضی و کاوش اشیای عتیقه‌اند. لزوماً خواهش دارم... که اولاً، موافق قانون کلیِ اختطاری که سابق شده‌است، هر قدر زودتر مشارالیه‌م را از اقدام در حفر اراضی ممانعت نمایند و ثانیاً آنچه از عتیقاتی را که استخراج کرده‌اند [ند] توقیف و به‌توسط پست به وزارت معارف ارسال دارند تا بازدید شده، حقوق دیوانی آن اخذ و مابقی به صاحبانش رد شود» (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۲۹۳/۸۹۵/۲).

در ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ق نیز از وزارت‌خانه به اداره عتیقات تهران دستور داده شد: «...با قدغن‌های [غدغن‌های] اکیدی که در منع حفر اراضی شده، هر روز خبر میدن [می‌دهند] فلان دسته یهودی فلان جا مشغول حفرند و به هیچ ترتیب جلوگیری کامل نمی‌شود از آن‌ها کرد و از جمله خبر داده‌اند [که] در قریه کوهه زیر نیک‌امام خاک ساوجبلاغ چند نفر از آن‌ها رفته و حفاری می‌کنند. خواهش مندم یک نفر مأمور صحیح [که] شریک و رفیق با کسی نشود بفرستید برود این یهودی‌ها را با هرچه اشیای عتیقه درآورده‌اند محفوظاً و مضبوطاً به شهر بیاورد و تحقیق هم بکند علاوه بر آنچه موجود دارند چه‌ها درآورده و از میان برده‌اند و تجدید خواهش می‌کنم در تعیین مأمور دقت مخصوص مبذول فرمایید» (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۲۹۳/۱۳۰۹).

تأکید اداره عتیقات بر انتخاب مأموران درست‌کار و امین برای رسیدگی به حفاری‌های غیرمجاز نشان می‌دهد که پرداخت رشوه به مأموران دولتی و سوءاستفاده از موقعیت آنان امری رایج بوده‌است. بیشتر سربازان چون حقوقی دریافت نمی‌کردند، از راه عملگی و قصابی روزگار می‌گذرانیدند (سیاح، ۱۳۴۶، صص ۲۱۶-۲۱۷) و هنگامی هم که هیئت باستان‌شناسی فرانسوی در شوش به کار مشغول شدند، برخی سربازان از روی ناچاری به استخدام آنان درآمدند و برای آنکه درگیری برای اشتغال در بیرون پادگان نداشته باشند، نشان‌های کلاه و کمرشان را مخفی می‌کردند (دیولافوا، ۱۳۶۹، ص ۸۷).



به این ترتیب دور از انتظار نبود که به اندک مایه لطفی که از سوی خلاف کاران صورت گیرد، دست از انجام وظیفه بردارند و شریک دزد و رفیق قافله شوند. سوءاستفاده تنها به مأموران دون پایه محدود نمی شد و مقامات حکومتی هم به هرجا می توانستند، کلاهی برای خود می دوختند. برای نمونه معزالدوله حاکم «خوار» درباره صدور اجازه غیرقانونی برای حفاریات در اراضی متعلق به دولت، به روشنی به امین مالیه این ولایت گفت: «چون موجب کفاف مخارج زیادم را نمی دهد، بنابراین باید همیشه درصدد منافع و مداخل خارجی باشم» و امین مالیه نیز درباره او گزارش داد: «چنانچه رشوه صحیحی به او داده شود، تمام مایملک دولت را برای نفع خود به رایگان از دست خواهد داد... به قسمی که حتی برای یک بره - که هشت قران قیمت دارد- امضا و مهر خود را می دهد» (ساکما، ۱۲۹۱ش، ۲۱۰-۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۲۰۸).

شاهزاده رکن الدوله نیز زمانی که حاکم کرمان بود، کتیبه ای سنگی به خط میخی منقوش به مهر داریوش نصب شده در مقبره شاه نعمت الله ولی را در برابر گرفتن یک تفنگ آلمانی به «مسیو سزاری» رئیس اداره صندوق کرمان بخشید و سرانجام این کتیبه از موزه پاریس سر درآورد (ساکما، ۱۳۲۹ق، ۱۸۲/۳۰/۲۵۰).

در ۲ رجب همین سال نامه ای از مدیرکل عتیقات به وزارت معارف و اوقاف و فواید عامه ارسال شد که با اشاره به حفاری غیرمجاز یهودیان و لزوم تنبه آنان گزارش می دهد: «جمعی از کلیمی ها به قریه اشتهارد و توابع آن رفته مشغول حفاری هستند و مقدار کثیری اشیای عتیقه درآورده و از میان برده اند... نصرالله خان سوارژاندارم امنیه مأمور است [که] به اشتهارد و آن صفحات رفته، تحقیقات دقیقه بکند، مرتکبین را هرکس هستند با هرچه از آن اراضی درآورده اند تحت الحفظ به اداره عتیقات بیاورد و از کدخدایان و رعایای حول وحوش تحقیقات بنماید که این حفارین از کی مشغول حفر شده و چه اشیایی استخراج کرده اند... هم چنین مأموریت دارند که اگر استنباط می نماید که از این اشیای عتیقه در خانه رعیتی پنهان نموده اند، اول از خود رعیت بخواهند، اگر ابا و امتناع کرد، با اطلاع کدخدای قریه خانه او را بکاوند و در صورت بروز، خود آن رعیت ها را هم با حفارین به شهر وارد کنند. هم چنین نصرالله خان ژاندارم مأموریت دارد که در عرض راه هرگاه از طایفه کلیمی ها ملاقات نماید که از حفر مراجعت کرده و اشیای عتیقه دارد تفتیش نموده، در صورت واقعیت او را با بار خودش به اداره عتیقات حاضر کنند» (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۲۹۳/۸/۹۵/۳).

در همین سال وزارت داخله به منتظم الدوله حاکم فیروزکوه دستور داد دو نفر یهودی را که در قریه «مزدوران» به حفاریات مشغول بودند به سرعت احضار کند و اجازه نامه شان از

وزارت فواید عامه را بررسی کند و در صورتی که مجوز نداشته باشند، آن‌ها را از این اقدام ممنوع بدارد و آثار استخراج شده را نیز توقیف کند و به وزارت داخله بفرستد (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۰۱۳۰۸/۲۹۳).

با وجود اقدامات انجام شده، طبق گزارش حاکم فیروزکوه به وزارت داخله، یهودیان پس از چندی بار دیگر به محل بازگشتند و به حفاریات غیرمجاز مشغول شدند (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۱/۹۴/۲۹۳).

سود زیاد حاصل از این قبیل کندوکاوها، مقامات بالاتر را هم به طمع می‌انداخت و آنان را برای دستیابی به آثار مکشوفه به تکاپو وامی‌داشت؛ و گرنه چگونه بدون حمایت مقامات بالای دولتی، حفارانی که مأموران محلی آن‌ها از محوطه باستانی بیرون رانده بودند، دوباره بازمی‌گشتند و کارشان را از سر می‌گرفتند؟ و به چه دلیل آثار کشف شده‌ای که رسیدگی به آن‌ها از وظایف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بود، باید برای وزارت داخله ارسال می‌شدند؟!

در سال‌های بعد نیز حفاری‌های غیرمجاز یهودیان و درگیری آن‌ها با اداره عتیقیات ادامه یافت. وزارت معارف در ۱۳۲۹ق طی نامه‌ای خطاب به وزارت داخله نوشت:

«چند نفر از حفارین یهودی که بعضی با قدغن [غدغن] اکید دولت بدون اجازه و بی‌حضور مأمور اداره در خوار ورامین حفاری کرده [اند]، مبالغی مسکوکات طلا و اشیای عتیقه استخراج و از میان برده‌اند و بعضی مبالغی به مناسبت اشیایی که خرید و فروش کرده [اند]، به اداره مقروض هستند. برای این که بتوانند به یهودی‌بازی قرض خودشان را ندادند و اجناس مستخرجه را که اداره درصدد استرداد آن‌ها است موقوف به مطالبه نگذارند، چند نفر از عمده‌های خودشان [را] که روزی دو هزار [دو ریال] از آن‌ها اجرت می‌گیرند اجماعی نموده، موقوفی اداره عتیقیات را از مقامات عالیه درخواست می‌کردند. وزارت معارف هم حسب‌الأمر نیابت سلطنت عظمی و ریاست، مجلسی تشکیل [داد] و چهارپنج نفر از رؤسای آن‌ها را برای رسیدگی به عرایض و شکایاتشان احضار نمود. اظهارات آن‌ها همه این بود که ما اداره عتیقیات را نمی‌خواهیم... حالا که به مرتکبین شرارت تا یک‌اندازه جواب سخت داده شده، به موجب تلگرافاتی که از عراق و همدان رسیده است معلوم می‌شود، حضرات بنای تحریکات در آنجاها گذاشته و یهودی‌های آنجا را به ضدیت با اداره عتیقیات و تخلف از ترتیبات آن تحریض می‌کنند. تمنا می‌شود امروز دو طغرا تلگراف -یکی به توسط میرزا آقاخان مدیر عتیقیات عراق، به حکومت عراق [عجم] و دیگری به توسط طاووس خان مدیر عتیقیات همدان، به حکومت همدان- صادر و ارسال فرمایند که هریک از کلیمی و غیر کلیمی را که منشأ فساد مخالفت با ادارات آنجا



شده، بگیرند و نتیجه لازم از آنها به عمل آورند و با رؤسای مزبوره تقویت‌های صحیح بکنند که بتوانند مطالبات خود را از یهودی‌ها جمع‌آوری و حفظ حیثیات یک اداره دولتی نمایند. البته سزاوار نیست [که] چهار یهودی - به یهودی‌بازی - دیون خود را موقوف به مطالبه نگذارند و باعث تزلزل یک اداره دولتی بشوند و هیچ گوشمالی از آنها به عمل نیاید» (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۲۹۳/۸/۹۶۷۱).

روشن است که حفاران آثار باستانی می‌کوشیدند به هر طریق ممکن به کارشان ادامه دهند؛ ولی مشخص نیست که «مطالبه» آنها از اداره عتیقات چه بوده است و چرا باید برای برآورده شدن آن، گوشمالی داده شوند. این نکته نیز پیداست که موضوع درگیری با اداره‌های دولتی بر سر کشف آثار باستانی، از حد افراد معدود گذشته و تاحدی جنبه اجتماعی یافته بود. در سال ۱۳۲۸ق وزیر داخله طی بخشنامه‌ای به تمامی فرمان‌فرمایان و حاکمان در سراسر ایران دستور داد تا از حفاریات اشخاص بدون مجوز وزارت فواید عامه جلوگیری کنند و اشیای مکشوفه را توقیف کنند (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۳۳۰/۰/۰/۰/۴۷).

گزارش‌هایی در دست است که نشان می‌دهد یهودیان با پرداخت رشوه به کارگزاران حکومتی، موافقت آنان را جلب می‌کردند و شبانه و دور از چشم دیگران در اماکن تاریخی کاوش می‌کردند (ویلز، ۱۳۶۸، ص ۱۲۰). این قبیل حفاری‌ها در کنار قاچاق اشیای عتیقه مکشوفه، سود کلانی را نصیب عوامل حکومتی و حفاران غیرمجاز می‌کرد. گاهی اتفاق می‌افتاد که خریداران آثار عتیقه با کارکنان دولت نیز وارد معامله می‌شدند؛ ولی نمی‌توانستند طلبشان را وصول کنند و ناگزیر دست‌به‌دامن مقامات می‌شدند و شکایت می‌کردند (ساکما، ۱۳۳۱ق، ۲۷۹/۲۷۳۴). در مواردی نیز اشیائی کشف می‌شد که حفاران می‌کوشیدند اطلاعات مربوط به آن را مخفی نگه دارند؛ چنان‌که رئیس اداره معارف حومه تهران به مدیر مدرسه دولتی قریه دم‌آباد ورامین دستور داد تا درباره شیء کشف‌شده توسط حفاران یهودی - که با پیداشدنش کارگران را برای پنهان کردن ماهیت شیء مرخص کرده بودند - تحقیق کند (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۵۸۴/۲۰/۲۹۷). این قبیل پنهان‌کاری‌ها چه بسا با چشم‌پوشی مقامات محلی همراه بود و گزارش آن به وزارت‌خانه نیز می‌رسید؛ چنان‌که نماینده اداره معارف زرنده طی نامه‌ای به وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از بی‌توجهی رئیس اداره معارف شکایت کرد و با اشاره به سکه‌های طلا و عتیقه‌هایی که حفاران در خانه «ابومحمد» نامی مخفی کرده بودند نوشت: «چند نفر کلیمی از تهران به زرنده آمده‌اند و [در تپه و اراضی قریه خورشیدآباد و مأمونیه مشغول حفر] هستند». چون ریاست معارف ساوه حاضر نبودند حسب‌الوظیفه از آنها اجازه‌نامه خواسته، استنکاف کردند [که] از عملیات آنها مانع شوم... هرگاه مجازند... مزاحم نباشم؛ و الا اشیاء مستخرجه را توقیف نمایم» (ساکما، ۱۳۰۱ش، ۵۸۴/۲۰/۲۹۷).

۱. زرنده از اسامی قدیمی شهر زرنده امروزی است که در استان مرکزی واقع شده است. این شهر سابقه‌ای هفتصد ساله دارد و محل دریافت عوارض و پول و طلا بوده و واژه زرنده هم از همین موضوع اقتباس شده است.



برای بازرسی و رسیدگی به این قبیل امور، بودجه کافی و کارکنان امین و کارکشته لازم بود. پس از پیروزی مشروطه به جای وزارت علوم، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تشکیل شد که با چهار اداره (تعلیم عمومی، معارف، اوقاف، تحقیقات) و دو دایره (تفتیش، محاسبات) وظایف متعددی را برعهده داشت. از لحاظ قانونی اداره‌های این وزارت خانه هم‌ردیف هم شمرده می‌شد و زیر نظر یک مدیر کل قرار گرفت؛ ولی به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین فعالیت‌های این وزارت خانه در اداره تعلیم عمومی متمرکز شده بود و بیشتر کارکنانش در ایالات و ولایات نیز برای اجرای وظایف این اداره منصوب شده بودند. به همین دلیل امور مربوط به اداره معارف - که بخشی از آن شامل تأسیس موزه، تحصیل عتیقیات و نظارت در حفاریات و نیز نگاهداری و حفظ آثار قدیمه بود - چندان جدی گرفته نمی‌شد. کارکنان ادارات معارف هم از کمبود بودجه به تنگ آمده بودند؛ چنان‌که رئیس اداره معارف قم در پاسخ به دستور وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای رسیدگی به کاوش یهودیان در اراضی خورشیدآباد و مأمونیه، ضمن اشاره به کمبود عایدات و درخواست تصویب بودجه کافی نوشت: «با حالت حاضر که بنده بلا تکلیف و ناچار برای اداره امور معارف پریشان قم و جلوگیری از انحلال آن به واسطه قلت عایدات فعلاً در قم مقیم بوده، دسترسی به حدود زرند و ساوه ندارد که مفاد امر مبارک را به موقع اجرا بگذارد» (ساکما، ۱۳۰۱ ش، ۲۹۷/۰/۲۰/۵۸۴).

افزون بر جلوگیری از فعالیت حفاران غیرمجاز، گاهی درباره اجازه‌نامه‌های اداره معارف برای حفاری نیز مشکلاتی پیش می‌آمد. برای نمونه زمانی که دو نفر یهودی برای حفاری در تپه‌ای در روستای ماشین، اجازه‌نامه گرفته بودند و زمینی را اجاره کرده بودند، بر سر این که حقوق دولت را مالک زمین باید پرداخت کند یا حفاران باید پرداخت کنند اختلاف نظر پیش آمد (ساکما، ۱۳۳۹ ق، ۲۹۷/۰/۲۰/۵۸۴). یا زمانی که دو یهودی تازه مسلمان در «کاغذکنان» به حفاری مشغول بودند، حاکم محلی برای گرفتن حق و حساب، مجوزهای اداره معارف را نادیده گرفت و آنان را بازداشت کرد (ساکما، ۱۳۴۰ ق، ۲۹۷/۰/۲۰/۵۸۴). رسیدگی به این امور، نیازمند استفاده از مأموران متخصص، امین و بانصاف و نیز تشکیلاتی منظم و دارای اختیارات و بودجه کافی بود؛ نیازی که دست‌کم در دوره قاجار برآورده نشد.

۴. خرید و فروش آثار مکشوفه، توسط یهودیان

از دوره قاجار تنها مسئله حفاریات غیرقانونی مطرح نیست، بلکه نحوه خرید و فروش آثار مکشوفه از این حفاری‌ها و یا اشیای گردآوری شده از خانه‌ها و اموال متعلق به افراد نیز جای



تأمل دارد. خرید و فروش آثار عتیقه از حرفه‌هایی بود که یهودیان ایران از آغاز این دوره به آن مشغول بودند.

کشف اشیای زرین در همدان امری طبیعی بود. هر چند سکه‌ها و اشیای عتیقه پیدا شده در همدان در عثمانی هم خریدارانی داشت که برای خروج آن با جدیت می‌کوشیدند و دست‌به‌دامن مراجعی مانند «شیخ محمد کاظم خراسانی» می‌شدند تا با گرفتن حکم شرعی ثابت کنند عتیقه‌های کشف شده به حفران و مالکان تعلق دارد (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۳۶۰/۳/۸۰/۶)، ولی مشتری عتیقه‌های کشف شده بیشتر اروپاییانی بودند که به همدان سفر می‌کردند. سفیر پروس (آلمان) در ایران طی سال‌های ۱۸۵۹-۱۸۶۱م، خاطره اقامت خود در همدان و بازدیدش از اماکن تاریخی این شهر را چنین شرح می‌دهد: «در منزل عده زیادی ارمنی و یهودی جمع شده [بودند] و انتظار ما را می‌کشیدند. کشیش ارمنه و خاخام یهودیان هدایایی با خود آورده بودند و... معلوم شد که برای عرضه سکه‌های قدیمی و اشیای عتیقه و فروش آن‌ها آمده‌اند. همدان در میان شهرهای ایران از نظر اشیای عتیقه و سکه، شهرت دارد؛ ولی درباره سکه باید خیلی دقت کرد؛ زیرا کسانی آنجا هستند که فلزات را درست مانند سکه‌های قدیمی ضرب می‌کنند و آن‌ها را به صورت آثار قدیمی درمی‌آورند و می‌فروشند... آن‌ها سکه‌های خود را از کیسه‌هایشان درآوردند و روی فرش ریخته و ما با دقت آن‌ها را بررسی می‌کردیم و سکه‌های مورد نظر را برمی‌گزیدیم. به این ترتیب هر یک از ما تعدادی سکه قدیمی متعلق به سلسله‌های مختلف ایران از ارمنه و یهودیان خریداری کردیم. علاوه بر سکه، مقداری اشیای عتیقه برنزی نیز خریداری نمودیم... تعدادی از این اشیای عتیقه، ساخت ایران و تعدادی دیگر ساخت یونان و روم بودند که ما اشیای ساخت ایران را انتخاب می‌کردیم» (بروگش، ۱۳۶۷، ص ۳۱۵).

کنت آرتور دو گوبینو خاورشناس و سفیر اعزامی فرانسه که در سال ۱۲۷۱ق/۱۸۵۵م به ایران آمد، ضمن اشاره به این که یهودیان از گذشته‌ای دور در ایران ساکن بوده‌اند و جمعیت بسیاری از شهرهای جنوبی فقط از یهودیان تشکیل می‌شده است، هنگام مباحثه با یهودیان کازرون درباره دین و نژادشان با طعنه می‌نویسد: «از یهودیان کازرون سپاس گزارم که با دقت هر چه تمام‌تر، نشان‌ها و سنگ‌نبشته‌هایی را که در اختیار داشتند برایم آوردند و برای اثبات اصالتشان آن‌ها را با گران‌ترین بهای ممکن به من فروختند» (گوبینو، ۱۳۸۳، صص ۱۲۰-۱۲۱).

معامله‌کنندگان آثار عتیقه در بیشتر مناطق ایران فعالیت داشتند. هاینریش کارل بروگش سفیر پروس (آلمان) در ایران، به دلالت‌هایی در نواحی مختلف ایران اشاره می‌کند که با ورود اروپاییان سروکله آن‌ها هم پیدا می‌شد و اشیای عتیقه را عرضه می‌کردند. او تصریح

می‌کند که آشنایی با این افراد برای خارجی‌ها فوق‌العاده ارزشمند بود؛ زیرا می‌توانستند از طریق آن‌ها کالاهای عتیقه را به راحتی بخرند (بروگش، ۱۳۶۷، صص ۳۸۵-۳۸۶). جیمز بیلی فریزر سیاح و نقاش انگلیسی در سفرنامه‌اش از یهودیانی یاد می‌کند که در سال ۱۲۴۹ ق/۱۸۳۳ م در جنگل‌های مازندران دیده‌است که به فروش آثار عتیقه اشتغال داشته‌اند (فریزر، ۱۳۶۴، ص ۵۳۴). ولی مهم‌ترین محل خرید و فروش این قبیل آثار همدان بود که سفیر فرانسه روششوار ژولین دو، از این شهر به‌عنوان «ارض موعود عتیقه‌چی‌ها و عتیقه‌فروش‌ها» یاد می‌کند (روششوار، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

شیوه دادوستد به‌صورت دوره‌گردی (پیلهوری) می‌توانست به یهودیانی که به این کار اشتغال داشتند کمک کند تا آثار عتیقه را به‌سادگی معامله کنند. بسا اتفاق می‌افتاد که صاحبان اموال قدیمی از ارزش واقعی و تاریخی این اموال اطلاع نداشتند و فروشندگان دوره‌گرد این آثار عتیقه را به‌بهای نازل می‌خریدند و یا آن‌ها را با کالاهای موردنیاز اهالی تهاتر (معاوضه) می‌کردند. کشف اشیای زرین و گران‌بها و تبدیل شدن همدان به مرکز خرید و فروش آثار عتیقه نیز طبیعی بود. این شهر در گذشته پایتخت مادها و بعدها اقامتگاه تابستانی پادشاهان هخامنشی بود و خزانه خشایارشا در آن قرار داشت. هم‌چنین احتمال می‌رود که خزانه تخت جمشید را هم اسکندر به همدان انتقال داده باشد (واندنبرگ، ۱۳۴۸، صص ۲۹، ۱۴۱). یهودیان همدان هم به‌سادگی با شهرهای مناطق مرکزی ایران مانند اصفهان و شیراز ارتباط داشتند و هم با شهرهای واقع در محوطه‌های باستانی عثمانی مرتبط بودند و به‌دلیل همین مراودات، همدان را به بازاری برای اموال عتیقه بدل کرده بودند. قراردادش همدان بر سر شاه‌راه شهرهای مورد احترام مذهبی شیعیان در عثمانی - که سالانه هزاران نفر از آن عبور می‌کردند - نیز فرصتی مناسب را برای حمل و نقل و خرید و فروش فراهم می‌کرد. خریداران عمده عتیقه خارجیانی بودند که از ارزش و اهمیت این آثار آگاهی داشتند و مشتاق خریدن سکه، نسخه‌های خطی و یا هر اثر تاریخی دیگری بودند. گواه این مدعا نیز انبوه اشیای تاریخی موزه‌های اروپاست که جز تعدادی اندک از آن‌ها که بر اثر فعالیت‌های باستان‌شناسی کشف شده‌اند، بقیه از راه خرید و فروش و قاچاق به مجموعه‌های خصوصی و موزه‌های اروپا راه پیدا کرده‌اند. هم‌سنگی تعداد انبوه نسخه‌های خطی و منحصر به فرد، نقاشی‌های بی‌بدیل، پارچه‌های زربفت، فرش و بسیاری از دیگر اشیای عتیقه‌ای که امروز در اروپاست با آنچه در ایران باقی مانده‌است، نشان می‌دهد که تعداد زیادی از این آثار در دوره قاجار و بعد از آن از ایران خارج شده‌اند. از لحاظ حقوقی برای خریداران کالاهای مسروقه مجازات‌هایی در نظر گرفته می‌شود و استدلال می‌شود که چنانچه آنان اموال دزدی را نخرند، انگیزه سارقان کمتر خواهد



شد. بخش عمده‌ای از آسیب‌هایی را که در جریان حفريات غيرمجاز به آثار تاریخی وارد آمده‌اند و زیان‌هایی را که خروج هزاران اثر عتیقه به خارج از کشور در پی داشته‌اند، افرادی ایجاد کرده‌اند که در دوره قاجار به‌عنوان سفیر، پزشک، مهندس و گردشگر به ایران آمده‌اند. آن‌ها از شوربختی مردم فقیر ایران و هم‌چنین ضعف قراردادهایی که با دولت‌های وقت می‌بستند استفاده می‌کردند و آثاری را که نشانه هویت ملی ایرانیان بود، زینت‌بخش مجموعه‌ها و موزه‌های خود می‌کردند. در این بین چه‌بسا استاد دانشگاهی هم که برای مطالعات زبان‌شناسی و مردم‌شناسی به ایران می‌آمد، فرصت می‌یافت تا مهری هخامنشی از یاقوت کبود و تعدادی سکه اشکانی و ساسانی را بخرد و به کشورش ببرد (جکسن، ۱۳۶۹، ص ۷۰) و از آنجاکه قانونی برای گرفتن گمرکی از این قبیل اجناس وجود نداشت، درآمدی هم به دولت نمی‌رسید. میزان نارضایتی از این بابت را در گزارشی مربوط به سال ۱۳۲۸ق می‌توان دریافت. بدین نحو که وزیر مالیه میزان تخمینی عایدات حفريات و دادوستد آثار عتیقه را خواسته بود و رئیس اداره عتیقات با تأکید بر این که «عایدات این شعبه چون اساسی ندارد و ... برای دولت عایدی تصور نمی‌شود»، نوشت: «... تاکنون قوانین این کار از مجلس نگذشته‌است و به همین جهت از اتباع خارجه نمی‌توان چیزی دریافت کرد و چون راه گمرک و پست برای اتباع خارجه باز است، اتباع داخله هم هرچه دارند - بدون تأدیة حقوق دیوانی - به‌توسط آن‌ها حمل به خارج می‌دهند... چنانچه قوانین حفريات از مجلس بگذرد و راه پست و گمرک برای اشیائی که مالیات نداده‌اند مسدود شود... امیدوار می‌توان شد که بیش از این‌ها عایدات برای دولت حاصل شود» (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۲۴۰/۸۰/۳۲/۴۲).

افزون بر بیگانگان، ایرانیان تبعه دولت‌های دارای حقوق کاپیتولاسیون نیز با حفاران غیرمجاز و قاچاق‌چیان برای خروج اشیای عتیقه از کشور همکاری حمایت می‌کردند و این امر گاهی وزارت خارجه را هم درگیر می‌کرد (ساکما، ۱۳۲۸ق، ۲۴۰/۸۰/۳۲/۴۲). انبوه گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که در کنار خدمات برخی ایران‌شناسان و باستان‌شناسان به فرهنگ و تاریخ ایران، در دوره قاجار بسیاری از یادگارهای معنوی از دست رفت و با خروج آثار تاریخی زیان بزرگی به کشور وارد شد. اقلیت‌های دینی ایران هم دست‌کم به دو دلیل واسطه این قبیل فعالیت‌ها شدند: نخست وضعیت معیشتی سختی که هرچند عموم مردم با آن دست‌به‌گریبان بودند؛ ولی برای ایشان سخت‌تر بود و دیگر حضور مبلغان مذهبی اروپایی در بین آن‌ها که زمینه‌ساز مرآده و دادوستد را فراهم می‌کرد و اعتماد ایشان را جلب می‌کرد. انجمن‌های اروپایی مانند «آلیانس اسرائیلیت» - که مدارس در ایران تأسیس کرده بودند - هم در برقراری ارتباط ایرانیان یهودی با اروپا نقشی مهم داشتند. برخی

نویسندگان تأثیرات اجتماعی این مدارس را کاویده‌اند (کهن، ۱۳۸۷). دانش‌آموختگان این مدارس به زبان فرانسه تسلط داشتند و می‌توانستند واسطه مبادلات بازرگانی یا فعالیت‌های اقتصادی قرار گیرند. برخی محققان به نحوه فعالیت مبلغان مذهبی کشورهای دیگر در ایران، توجه کرده‌اند؛ ولی بیشتر این تحقیقات در زمینه فعالیت‌های آموزشی یا سیاسی آنان است و رویکرد ایشان به موضوعات باستان‌شناسی یا خرید و فروش آثار تاریخی، نیازمند بررسی‌های مستقل است.

یهودیان بخشی از خرید و فروش و قاچاق اشیای عتیقه گران‌بها را برای خارج از مرزهای ایران انجام می‌دادند؛ برای نمونه پس از فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان (ارجمند ۱۳۲۷ ق/ ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ م)، شایع شد که محمدعلی شاه و اطرافیانش جواهرات سلطنتی را غارت کرده‌اند. مشروطه‌خواهان نیز هیئتی را بررسی این موضوع تشکیل دادند. یکی از مضمونان لسان‌الدوله کتابدار بود که به سرقت تعدادی از نسخ خطی کتابخانه سلطنتی متهم شد. در این زمان برخی از دلالتان یهودی برای خارج کردن اشیای نفیس و نسخ خطی به خارج از کشور و به‌ویژه فرانسه، هم‌دست شده بودند. میرزا یعقوب یهودی یکی از این دلالتان بود که هنگام معامله با لسان‌الدوله به دام مأموران دولتی افتاد. دفترچه یادداشت روزانه لسان‌الدوله نیز هنگام بازرسی به دست آمد که در آن نام مشتریان و هم‌دستان او و چگونگی خروج اشیای مسروقه از کشور و فروش آن‌ها ذکر شده بود. در این دفترچه نام آرشاک (ارمنی)، رفی (یهودی) و صمدخان ممتاز السلطنه جلب توجه می‌کرد. رفی، هم جراح و دندان‌پزشک بود و هم عتیقه‌فروش. این یهودی ایرانی‌الصل به فرانسه رفته بود و تابعیت آن کشور را پذیرفته بود. او در مطب هم به خرید و فروش اشیای زینتی می‌پرداخت و واسطه او در تهران دلالتی یهودی به نام ابراهیم بود که رفی توسط همین شخص با لسان‌الدوله ارتباط برقرار کرده بود و توانسته بود بسیاری از اشیای مسروقه کتابخانه سلطنتی ایران را به چنگ آورد (نصیری مقدم، ۱۳۸۳، صص ۱۸۱-۱۸۲؛ احتشام السلطنه، ۱۳۶۷، ص ۴۲۵).

۵. فروش آثار جعلی تاریخی و ساخت عتیقه‌های بدلی

به‌مرور با هدف کسب منافع مادی ساخت آثار عتیقه بدلی رواج یافت و یهودیان ایران به‌ویژه در شهرهای اصفهان و همدان از گروه‌های فعال در این حوزه بودند (طرفداری، ۱۳۹۶، ص ۷۰). در دوره قاجار، طلاشویی و جعل مسکوکات طلا و نقره رواج یافت. به‌هنگام آب‌شدن برف‌ها، برخی از یهودی‌های همدان به کمک سدهای کوچک، به تل‌های خاک آب می‌بستند و پس از آنکه خاک در آب حل می‌شد و گل‌ولای به‌صورت سیلاب جاری



می شد، آن را به دقت از صافی می گذراندند و نشان‌ها و اشیای حکاکی شده باستانی و چه بسا سنگ‌های بهادر را از آن به چنگ می آوردند. از آنجا که مجموعه داران بابت این قبیل یافته‌ها پول خوبی می پرداختند، یهودیان کم‌کم به ساخت نشان‌ها و سکه‌های ناسره تشویق شدند و آن‌ها را وارد بازار کردند؛ به نحوی که وجود انبوه اشیای تقلبی، موجب سردرگمی خریداران شده بود (روششوار، ۱۳۷۸، ص ۷). در زمان محمدشاه، اوژن فلاندن معمار و خاورشناس فرانسوی که از طرف فرهنگستان هنرهای فرانسه برای تهیه گزارش‌ها و تصویرهایی از آثار باستانی به ایران اعزام شده بود، با اشاره به این که همدان از بزرگ‌ترین مراکز یهودیان ایران است که در آن دویست خانوار یهودی سکونت دارند، درباره جعل آثار تاریخی به دست برخی از یهودیان می نویسد: «آن‌ها مقدار زیادی سکه‌های یونانی و ساسانی می سازند و بیشتر سکه‌ها صورت اسکندر و اردشیر را دارد. تمام کوششان در استفاده و نفع شخصی است و به ویژه در تجارت و معامله سکه سررشته کامل دارند... [و] از روی سکه‌های اصلی، سکه‌های بدلی ساخته‌اند» (فلاندن، ۱۳۵۶، ص ۱۷۸).

پزشکی انگلیسی باتوجه به کوششی که دو نفر از یهودیان برای فروش سکه‌های مسی و نقره‌ای به او هنگام بازدیدش از مقبره استر و مردخای در همدان به خرج داده‌اند، با اشاره به ممانعت یکی از همراهانش به نام پیرسون، درباره اظهارات او چنین می نویسد: «همه این سکه‌ها به جز سکه‌های مربوط به دوران اسکندر کبیر و سکه‌های مربوط به دوران ساسانیان، بقیه تقلبی هستند». این پزشک سپس توضیح داده است: «مرکز تهیه سکه‌های تقلبی همدان است و عامل آن یک نفر یهودی ثروتمند است که انواع سکه‌های باستانی را عیناً شبیه سکه اصلی می سازد و به طریقی آن‌ها را به صورت سکه‌های زیرخاکی و کهنه قدیمی درمی آورد و... توسط عوامل خود آن‌ها را به اروپاییان ساده و بی اطلاع به نام سکه‌های ایران باستان کشف شده از اکباتان به قیمتی فوق‌العاده گران می فروشد» (ویلز، ۱۳۶۸، ص ۱۱۶).

اختلافاتی که گاهی در پی فروش آثار جعلی تاریخی پیش می آمد، گاهی نظمی و دولت را هم درگیر می کرد. برای نمونه در سال ۱۳۲۹ ق دکترای اروپایی به نام «کاشه» از «یعقوب کلیمی» به دلیل کلاهبرداری و فروش نگاره‌های تقلبی شکایت کرد که موجب جلب و توقیف یعقوب شد. یعقوب نیز در نامه‌ای که برای وزیر داخله فرستاد، با اشاره به این که کاشه در خرید و فروش نگاره‌های قدیمی خبره است و سال‌های زیادی است که در تهران و استانبول به معامله این قبیل اجناس مشغول است، نوشت: «این صفحه‌ها را به اسم کهنه به او نفر وخته‌ام؛ زیرا که داناترین عتیقه‌چی می داند که اگر این‌ها کهنه بودند، هر کدام در تهران اقلاً پانصد تومان قیمت داشتند» (ساکما، ۱۳۲۸ ق، ۲-۱/۲/۳۰۰/۲۹۰).

۶. نتیجه‌گیری

در دوره قاجار با ورود جویندگان غربی، کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران رو به گسترش نهاد. هرچند نمی‌توان از انگیزه‌های علمی و زحماتی که برخی ایران‌شناسان و باستان‌شناسان غربی برای شناسایی میراث فرهنگی ایران کشیده‌اند چشم پوشید؛ ولی بر اثر وجود برخی اقدامات سودجویانه‌ای که انجام شد، رویکرد و برخورد اقتصادی و تجاری با آثار عتیقه و تاریخی در ایران رواج یافت. ورود ایرانیان به عرصه خریدوفروش و حفاری برای به‌دست‌آوردن آثار تمدن‌های گذشته در این دوره بیشتر شد و ایرانیان یهودی در این زمینه به فعالیت پرداختند. برخی از ایشان به‌ویژه در شهرها و مناطق یهودی‌نشین، به‌صورت قانونی و غیرقانونی محوطه‌های تاریخی را کاویدند و مهارتشان در کشف آثار موجب شد که برخی از آن‌ها به‌صورت حرفه‌ای به این کار مشغول شوند. در دوره قاجار بنابه دلایلی، فعالیت‌های گنج‌یابی، حفاری‌های غیرقانونی، جعل و قاچاق عتیقه فرونی گرفت و هرچند بسیاری از ایرانیان در این قبیل امور فعالیت داشتند، ولی فعالیت یهودیان ایران را در روی آوردن به کشف و فروش آثار عتیقه می‌توان به‌دلایل زیر مرتبط دانست: نخست اوضاع بد اقتصادی و اجتماعی یهودیان در دوره قاجار که ایشان را ناگزیر می‌کرد برای بهبود معیشت و گذران زندگی به این قبیل کارها که مخاطراتی را هم در پی داشت بپردازند. فعالیت در کشف و فروش آثار عتیقه به‌حدی سودآور بود که گروهی از یهودیان به‌صورت انحصاری از این طریق امرارمعاش می‌کردند. اشتغال به پیلهوری و خریدوفروش به‌صورت دوره‌گردی نیز به آنان کمک می‌کرد تا آثار عتیقه را شناسایی و به‌بهای مناسب خریداری کنند. هم‌چنین آشنایی به زبان‌های اروپایی که در مدارس «آلیانس» به آن‌ها تعلیم داده می‌شد، راه را برای مراوده و تجارت ایرانیان یهودی با کشورهای دیگر باز می‌کرد. هم‌چنین حضور تعداد زیادی از بازرگانان یهودی ایرانی در کشورهای اروپایی تجارت را برای یهودیان آسان می‌کرد.

نبود قانونی مدون برای حفظ آثار عتیقه تا پیش از ۱۳۰۶ش نیز عاملی دیگر بود که جلوگیری از فعالیت‌های غیرقانونی را ناممکن می‌کرد. نفوذ کشورهای بیگانه در این دوره نیز سبب می‌شد که کارکنان دولت ایران نتوانند به وظایف خود عمل کنند. اقدامات سفارت‌خانه‌های بیگانه و خریداری آثار عتیقه توسط اروپاییانی که به‌عنوان مختلف به ایران می‌آمدند، سبب شد که پدیده قاچاق عتیقه رواج پیدا کند و همدان به مرکزی برای خریدوفروش آثار تاریخی تبدیل شود. یهودیان این شهر به‌شکل گسترده در مناطق باستانی حفاری می‌کردند و دولت ایران نیز قادر نبود از آن‌ها جلوگیری کند؛ زیرا از یک‌سو برخی مقامات حکومتی در پی سوءاستفاده و منفعت‌طلبی خود بودند و از سوی



دیگر سفارت‌خانه‌های اروپایی افرادی را برای این قبیل کارها اجیر می‌کردند و دولت ایران در برابر نفوذ آنان اراده‌ای نداشت.

راه‌یابی آثار تاریخی ایران به موزه‌ها و بازارهای خرید و فروش آثار عتیقه دیگر کشورها، موجب داغ‌شدن بازار ساخت آثار عتیقه بدلی در ایران شد و برخی از ایرانیان یهودی به جعل سکه‌های قدیمی یا فروش آثار تاریخی بدلی مشغول شدند. پس از مشروطه نیز انبوهی از نفایس نسخ تاریخی و اموال عتیقه سلطنتی و یا خریداری شده توسط عتیقه‌شناسان، به صورت قاچاق از کشور خارج شد که آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر به میراث فرهنگی ایران وارد آورد.

ارزیابی نقش مؤسساتی نظیر آلیانس جهانی یهود در انتقال آثار باستانی و ملی ایران به خارج از کشور، خود نیازمند انجام مطالعه‌ای مستقل است.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۹۳/۰۰۱۳۰۸ (ق ۱۳۲۸)؛ ۲۹۳/۱۳۰۹ (ق ۱۳۲۸)؛ ۲۹۰/۱۲/۳۰۰/۱-۲ (ق ۱۳۲۸)؛ ۲۴۰/۸۰/۳۲/۴۲ (ق ۱۳۲۸)؛ ۲۹۳/۸/۹۶/۱ (ق ۱۳۲۸)؛ ۲۹۳/۸/۹۵/۳ (ق ۱۳۲۸)؛ ۲۹۳/۸/۹۵/۲ (ق ۱۳۲۸)؛ ۲۹۳/۸/۹۴/۱ (ق ۱۳۲۸)؛ ۳۳۰/۰/۰/۴۷ (ق ۱۳۲۸)؛ ۲۹۷/۰/۲۰/۵۸۴ (ق ۱۳۲۸)؛ ۳۳۰/۳۰/۱۸/۲ (ق ۱۳۲۹)؛ ۳۳۰/۰/۰/۴۷ (ق ۱۳۳۱)؛ ۲۹۷/۰/۲۰/۵۸۴ (ق ۱۳۳۱)؛ ۲۹۷/۲۰/۶۹۷ (ق ۱۳۳۱)؛ ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۶۲ (ق ۱۲۹۳)؛ ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۵۹ (ق ۱۳۳۲)؛ ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۵۵ (ق ۱۳۳۲)؛ ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۲۸۱ (ق ۱۳۳۳)؛ ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۹ (ق ۱۳۳۴)؛ ۲۹۴۲/۲۹۰ (ق ۱۳۳۹)؛ ۲۹۷/۰/۲۰/۵۸۴ (ق ۱۳۴۰)؛ ۲۹۷/۰/۲۰/۵۸۴ (ق ۱۳۴۰)؛ ۲۹۷/۲۰/۶۹۱ (ش ۱۲۹۱)؛ ۲۹۷/۲۰/۵۸۴ (ش ۱۳۰۱)؛ ۲۹۷/۲۰/۵۸۴ (ش ۱۳۰۱)؛ ۲۹۷/۰/۲۰/۵۸۴ (ش ۱۳۰۱).

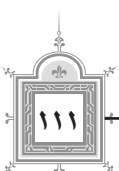
کتاب

احتشام السلطنه، محمود علامیر. (۱۳۳۷). *خاطرات احتشام السلطنه*. (سید محمد مهدی موسوی، کوشش گر).

تهران: زوار.

اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶ م: ایران و بین‌النهرین*. (چ ۱). (علی اصغر سعیدی، مترجم و

حاشیه‌نویس). تهران: زوار.



- بروگش، هاینریش کارل. (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. (ج ۱). (حسین کردیچه، مترجم). تهران: اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*. (کیکاووس جهانداری، مترجم). تهران: خوارزمی.
- جکسن، آبراهام والتاین ویلیامز. (۱۳۶۹). *سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال*. (ج ۳). تهران: خوارزمی.
- دستره، آنت. (۱۳۶۳). *مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران*. (ج ۱). (منصوره اتحادیه (نظام مافی)، مترجم). تهران: تاریخ ایران.
- دوسرسی، کنت. (۱۳۶۲). *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰م/۱۲۵۵-۱۲۵۶ق سفارت فوق العاده کنت دوسرسی*. (ج ۱). (احسان اشراقی، مترجم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دیولافوا، ژان بابتیست. (۱۳۶۹). *سفرنامه: خاطرات کاوش های باستان شناسی شوش ۱۸۶۶-۱۸۸۴م*. (ج ۲). (ایرج فرهوشی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- روشسوار، ژولین دو. (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*. (مهران توکلی، مترجم). تهران: نی.
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). *سفرنامه مادام کارلا سرنا (آدمها و آیینها در ایران)*. (علی اصغر سعیدی، مترجم). تهران: زوآر.
- سعدوندیان، سیروس؛ اتحادیه (نظام مافی)، منصوره. (۱۳۶۸). *آمار دارالخلافه تهران: اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار ... (۱۲۶۹ هجری قمری - ۱۲۸۶ هجری قمری - ۱۳۱۷ هجری قمری)*. تهران: تاریخ ایران.
- سیاح، محمد علی بن محمد رضا. (۱۳۴۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. (حمید سیاح، کوشش گر؛ سیف الله گلکار، مصحح). تهران: ابن سینا.
- شریفی، یوسف. (۱۳۸۷ش/۲۰۰۹م). *درد اهل ذمه: نگرشی بر زندگی اجتماعی اقلیت های مذهبی در اواخر عصر صفوی*. لس آنجلس: شرکت کتاب.
- عباسی، محمد رضا؛ بدیعی، پرویز. (گردآورندگان). (۱۳۷۲). *گزارش های اوضاع سیاسی، اجتماعی و لایات عصر ناصری (۱۳۰۷ق)*. (ج ۱). تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۸۹). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه ق)*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۶۴). *سفرنامه فریزر*. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: توس.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. (حسین نور صادقی، مترجم). تهران: اشراقی.
- کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۴۱). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱). (غلام علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کهن، گوئل. (۱۳۸۷ش/۲۰۰۸م). *همراه با فرهنگ: گوشه ای از تاریخ مؤسسه آلیانس در ایران (خاطرات*



الباس اسحقیان). لس آنجلس: بی.نا.

گوینو، ژوزف آرتور. (۱۳۸۳). سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دوگوینو (۱۸۵۵-۱۸۵۸). (عبدالرضا هوشنگ) مهدوی، مترجم. تهران: قطره.

لوتی. پیر. (۱۳۷۰). به سوی اصفهان. (بدرالدین کتابی، مترجم). تهران: اقبال.

لوسوئور، امیل. (۱۳۶۸). نفوذ انگلیسی‌ها در ایران. (محمدباقر احمدی ترشیزی، مترجم). تهران: کتاب برای همه.

لوسوئور، امیل. (۱۳۷۴). زمینه‌چینی‌های انگلیس برای کودتای ۱۲۹۹. (ولی‌الله شادان، مترجم). تهران: اساطیر.

ناصرالدین‌شاه. (۱۳۶۲). سفرنامه ناصرالدین‌شاه به فرنگ. اصفهان: مشعل با همکاری انتشارات غزل.

واندنبگ، لویی. (۱۳۴۸). باستان‌شناسی ایران باستان. (چ. ا). (عیسی بهنام، مترجم؛ رومن گریشمن، مقدمه‌نویس). تهران: دانشگاه تهران.

ویلز، چارلز جیمز. (۱۳۶۸). ایران در یک قرن پیش: سفرنامه دکتر ویلز. (غلام‌حسین قراگزلو، مترجم). تهران: اقبال.

یزدانی. مرضیه. (۱۳۸۰). اسناد هیات‌های باستان‌شناسی در ایران (۱۳۴۵-۱۳۵۴ ش). تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهش کده اسناد.

مقاله

رفیعی آتانی، مریم؛ چوبک، حمیده. (۱۳۹۴). «نگرش عوام به آثار باستانی در دوره قاجار». تهران: دوفصل‌نامه علمی-پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا (س)، سال ۲۵ (دوره جدید)، شماره ۱۶ (پیاپی ۱۰۱)، صص ۱۰۵-۱۲۴.

زارعی مهرز، عباس؛ شریفی، لیلا. (۱۳۹۳). «بررسی تاریخی فعالیت‌های اقتصادی یهودیان همدان در روزگار قاجار». پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران. شماره ۱ (پیاپی ۵)، صص ۱۴۰-۱۵۲.

سهم، هایده. (۱۳۷۵). «خاطرات یهودیان ایران». ایران‌نامه، شماره ۵۷، صص ۷۶-۵۱.

طرفداری، علی‌محمد. (۱۳۹۶). «کاوش‌های باستان‌شناسانه و عتیقه‌یابی سیاحان و شرق‌شناسان اروپایی در عهد قاجار». فصل‌نامه مطالعات تاریخ فرهنگی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۴۷-۷۰.

علی‌شاهی قلعه‌جوقی، ابوالفضل؛ دهقان سیمکانی، مهدی. (۱۳۹۳). «پژوهشی در مالکیت گنج و میراث فرهنگی و قوانین مربوط به آن». دوفصل‌نامه دانش‌نامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال بیست‌ویکم، شماره ۶، صص ۷۶-۵۱.

نصیری‌مقدم، نادر. (۱۳۸۳). «ماجرای دزدی از کتاب‌خانه سلطنتی کاخ گلستان (تهران ۱۳۲۵ق)». (فرزانه شادان‌پور، مترجم). فصل‌نامه کتاب، شماره ۵۷، صص ۱۷۸-۱۸۶.



یزدانی، مرضیه. (۱۳۷۵). «هیأت‌های باستان‌شناسی در ایران». *گنجینه اسناد*، دوره ۶، شماره ۱ و ۲، صص ۹۵-۱۱۱.

روزنامه

انجمن بلدیہ: (سال اول، شماره ۵، رمضان ۱۳۲۵).

مجلس: (دوره اول، جلسه ۹۵، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۲۸۵): (دوره هفتم، جلسه ۱۷۲، ۱۲ آبان ۱۳۰۹).

ندای وطن: (سال دوم، شماره ۴، ۱۰ شوال ۱۳۲۵).

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

240/80/32/42 (1328 AH/1910); 290/12/300/1-2 (1328 AH/1910); 293/1309 (1328 AH/1910); 293/001308 (1328 AH/1910); 293/8/94/1 (1328 AH/1910); 293/8/95/2 (1328 AH/1910); 293/8/95/3 (1328 AH/1910); 293/8/96/1 (1328 AH/1910); 297/0/20/548 (1328 AH/1910); 330/0/00/47 (1328 AH/1910); 360/3/80/6 (1328 AH/1910); 250/30/18/2 (1329 AH/1911); 297/20697 (1330 AH/1912); 297/0/20/584 (1331 AH/1913); 27234/279 (1331 AH/1913); 330/0/00/47 (1331 AH/1913); 240/115/37/55 (1332 AH/1914); 240/115/37/59 (1332 AH/1914); 240/115/37/62 (1293 AH/1876); 240/115/37/281 (1332 AH/1914); 240/115/37/9 (1333 AH/1915); 2942/290 (1334 AH/1916); 297/0/20/584 (1339 AH/1921); 297/0/20/584 (1340 AH/1922). [Persian]

Books

Abbasi, Mohammadreza; & Badiei, Parviz (Eds.). (1372/1993). *“Gozāreš-hā-ye owzā'-e siyāsi, ejtemā'ee-ye velāyāt-e asr-e Nāderi (1307 AH)”* (Reports on the political and social status in the Nasseri era) (1st ed.). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), Pažuheškade-ye Asnād (Documents Research Institute). [Persian]

Aubin, Eugene. (1362/1983). *“Irān-e emruz (1906-1907): Irān va Bein-on-nahreīn”* (La Perse d'aujourd'hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia]



- (1st ed.). Translated and annotated by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Zawār. [Persian]
- Brugsch, Heinrich Karl. (1367/1988). *“Safari be darbār-e soltān-e sāheb-qerān”* (My life and my trips) (vol. 1). Translated by Mohammad Hossein Kordbacheh. Tehran: Ettlā’āt. [Persian]
- Cohn, Guel. (1387/2008). *“Hamrāh bā farhang: Guše-ee az tārix-e mo’assese-ye Āliyāns dar Irān, xāterāt-e Elyās Eshāqīān”* (Along with culture: A glance at the history of Alliance Institute in Iran, memories of Elyas Eshaghian). Los Angeles: n. p. [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1341/1962). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 1). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Bongāh-e Tarjomeh va Našr-e Ketāb. [Persian]
- De Sercey, Conte. (1362/1983). *“Irān dar 1839-1840 AD/1255-1256 AH: Sefārat-e fowq-ol-āde-ye Kont Do Sersi”* (Une ambassade extraordinaire: la Perse en 1839-1840) [An extraordinary embassy: Persia in 1839-1840] (1st ed.). Translated by Ehsan Eshraghi. Tehran: Markaz-e Našr-e Dānešgāhi. [Persian]
- Destree, Annette. (1363/1984). *“Moštaxdemīn-e Belžiki dar xedmat-e dowlāt-e Irān”* (Les fonctionnaires Belges au service de la Perse, 1898 -1915) [Belgian officials in the service of Persia, 1898 -1915] (1st ed.). translated by Mansoureh Ettehadiyeh (Nezam Mafi). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]
- Dieulafoy, Jane. (1369/1990). *“Safarnāme: Xāterāt-e kāvoš-hā-ye bāstān-šenāsi-ye Šuš 1866 – 1884 AD”* (En mission chez les immortels: Journal des fouilles de Suse, 1866 - 1884) [On mission among the immortals: Diary of the excavations of Susiana, 1866 - 1884.] (2nd ed.). Translated by Iraj Faravashi. Edited by Dr. Bahram Faravashi. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Ehtesham Al-Saltaneh, Mahmoud Ala Mir. (1367/1988). *“Xāterāt-e Ehtešāmosaltaneh”* (Memories of Ehtesham Al-Saltaneh). (2nd ed). Edited by Seyyed Mohammad Mehdi Mousavi. Zawār. [Persian]
- Flandin, Eugene Napoleon. (1356/1977). *“Safarnāme-ye Ožen Flanden be Irān”* (Voyage en Perse 1840 – 1841) [Travel to Iran 1840 – 1841]. Translated by Hossein Nour Sadeghi. Tehran: Ešrāqi. [Persian]

- Fraser, James Baillie. (1364/1985). "*Safarnāme-ye Freyzer*" (A winter's journey (Tatar) from Constantinople to Tehran). Translated by Manouchehr Amiri. Tehran: Tus. [Persian]
- Gobineau, Joseph Arthur. (1383/2004). "Se sāl dar Āsiyā: Safarnāme-ye Kont de Gobino (1855 – 1858)" (Trois ans en Asie: de 1855 a 1858) [Three years in Asia: 1855 – 1858]. Translated by Abd-Al-Reza (Houshang) Mahdavi. Tehran: Qatreh. [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1362/1983). "*Tārix-e eqtesādi-ye Irān: Asr-e Qājār 1215-1332 AH*" (The economic history of Iran). Translated by Yaghoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Jackson, Abraham Valentine Williams. (1369/1990). "*Safarnāme-ye Jakson: Irān dar gozšteḥ va hāl*" (Persia past and present) (3rd ed.). Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Lesuer, Emile. (1368/1989). "Nofuz-e Engelisi-hā dar Irān" (Les Anglais en perse) [English in Persia]. Translated by Mohammad Bagher Ahmadi Torshizi. Tehran: Ketāb Barāye Hameh. [Persian]
- Lesuer, Emile. (1374/1995). "Zamine-čini-hā-ye Engelis barāye kudetā-ye 1299" (Les Anglais en perse) [English in Persia]. Translated by Valiollah Shadan. Tehran: Asātir. [Persian]
- Loti, Pierre. (1370/1991). "*Be suye Esfahān*" (Vers Ispahan) [To Esfahan]. Translated by Badr Al-Din Ketabi. Tehran: Eqbāl. [Persian]
- Naser Al-Din Shah. (1362/1983). "*Safarnāme-ye Naser ed-Din Šāh be Farang*" (Travelogue of Nasser al-Din Shah Qajar to Europe). Esfahān: Maš'al in partnership with Enrešārāt-e Qazal. [Persian]
- Polak, Jakob Eduard. (1368/1989). "*Safar-nāme-ye Polāk: Irān va Irāniān*" (Persien, das land und seine bewohner; Ethnographische schilderungen) [Persia, the land and its inhabitants: Ethnographic descriptions]. Translated by Keykavous Jahangiri. Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Rochechouart, Julien de. (1378/1999). "*Xāterāt-e safar-e Irān*" (Souvenirs d'un voyage en Perse) [Memories of a trip to Persia]. Translated by Mehran Tavakkoli. Tehran: Ney. [Persian]



- Saadvandian, Sirous; & Etehadiyeh (Nezam Mafi), Mansoureh. (1368/1999). "*Āmār-e dār-ol-xelāfe-ye Tehrān: Asnādi az tārix-e ejtemā'ee-ye Tehrān dar asr-e Qājār... (1269 Hejri Qamari – 1286 Hejri Qamari – 1317 Hejri Qamari)*" (Documents from the social history of Tehran in the Qajar era ... (1269 AH - 1286 AH - 1317 AH). Tehran: Tārix-e Irān.[Persian]
- Sayyah, Mohammad Ali Ibn Mohammad Reza. (1346/1967). "*Xāterāt-e Hāj Sayyāh yā dowre-ye xowf o vahšat*" (The travel diaries of haj sayyah 1859-1877). Edited by Hamid Sayyah & Seifollah Golkar. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Serena, Carla. (1362/1983). "*Safar-nāme-ye mādām Kārlā Serenā: Ādam-hā va āyin-hā dar Irān*" (Hommes et choses en perse) [Men and things in Persia]. Translated by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Zawār. [Persian]
- Sharifi, Yousef. (1387/2009). "*Dard-e ahl-e zemme: Negareši bar zendegi-ye ejtemā'ee-ye aqalliyat-hā-ye mazhabī dar avāxer-e asr-e Safavi*" (A glance at the social life of religious minorities in the late Safavid era). Los Angles: Šerkat-e Ketāb. [Persian]
- Vandenbergh, Louis. (1348/1969). "*Bāstān-šenāsi-ye Irān-e Bāstān*" (Archeologie de l'Iran ancient) [Archeology of ancient Persia] (1st ed.). translated by Isa Behnam. Introduction by Roman Grishman. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran).[Persian]
- Wills, Charles James. (1368/1989). "*Irān dar yek qarn-e piš: Safarnāme-ye Doktor Wilz*" (In the land of the lion and sun, or Modern Persia: Being experiences of life in Persia during a residence of fifteen years in various parts of that country from 1866 to 1881). Translated by Gholam Hossein Gharagouzlou. Tehran: Eqbāl. [Persian]
- Yazdani, Marzieh. (1380/2001). "*Asnād-e hey'at-hā-ye bāstān-šenāsi dar Irān (1254 – 1345 SH)*" (Documents of archeological delegations in Iran: 1254 – 1345 SH / 1875 – 1966 AD). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān, Pažuheškade-ye Asnād (National Library and Archives of I. R. Iran, Documents Research Institute). [Persian]

Articles

- Alishahi Ghale-joughi, Abolfazl; & Dehghan Simakani, Mahdi. (1393/2014). "Pažuheši dar mālekiyat-e ganj va Mirās-e Farhangi va qavānin-e marbut be ān" (Treasure and heritage property law and statute law in Iran). *Do-Fasl-nāme-ye Dāneš-nāme-ye Hoquq-e Eqtesādi, new edition* (Encyclopedia of Economic Rights), 21(6), pp. 51 – 76. [Persian]
- Nasiri Moghaddam, Nader. (1383/2004). "Mājarā-ye dozdi az ketāb-xāne-ye saltanati-ye Kāx-e Golestān (Tehrān 1325 AH)" (The affair of theft from Royal Library of Golestan Palace of Tehran (ca 1907)). Translated by Farzaneh Shadanpour. *Fasl-nāme-ye Ketāb*, 57, pp. 178 – 186. [Persian]
- Rafei Atani, Maryam; & Choubak, Hamideh. (1394/2015). "Negareš-e 'avām be āsār-e bātāni dar dowre-ye Qājār" (People's attitudes to antiquities in the Qajar period). Tehran: *Do-Fasl-nāme-ye 'Elmi – Pažuheši-ye Tārix-Negari va Tārix-Negāri-ye Dānešgāh-e Az-Zahrā (PBUH)* (Historical Perspective & Historiography), year 25, issue 16 (series number 101), pp. 105 – 124. [Persian]
- Sahim, Hayedeh. (1375/1996). "Xāterāt-e Yahudiyān-e Irān" (Memoirs of Iranian Jews). *Irān-nāme* (Foundation for Iranian Studies), 57, pp. 51 – 76. [Persian]
- Tarafdari, Ali Mohammad. (1396/2017). "Kāvoš-hā-ye bāstān-šenāsāneh va 'atiqeyābi-ye sayyāhān va šarq-šenāsān-e Orupāyi dar ahd-e Qājār" (Archaeological excavations and finding antiques By European travelers and orientalist during Qajar era). *Fasl-nāme-ye Motāle'āt-e Tārix-e Farhangi* (Journal of Cultural History Studies), 9(33), pp. 47 – 70. [Persian]
- Yazdani, Marzieh. (1375/1996). "Hey'at-hā-ye bāstān-šenāsi dar Irān" (Archeological delegations in Iran). *Ganjine-ye Asnād*, 6 (1 & 2), pp. 95 – 111. [Persian]
- Zare'ei Mahrouz, Abbas; & Sharifi, Leila. (1393/2014). "Barresi-ye tārixi-ye fa'aliyat-hā-ye eqtesādi-ye Yahudiyān-e Hamedān dar ruzegār-e Qājār" (Historical review of the economic activities of the Jews of Hamadan in Qajar era). *Pažuheš-nāme-ye Tārix-hā-ye Mahalli-ye Irān* (Iranian Journal of Local Histories), issue 1 (series 5), pp. 140 – 152. [Persian]



Newspapers and press

Anjoman-e Baladiyeh: (1st year, issue 5, Ramadan 1325/October 1907). [Persian]

Majles: (1st term, session 95, Rabi' al-Thani 1285/ 10 August 1868); (7th term, session 172, 12 Ābān 1309/ 3 November 1930). [Persian]

Nedā-ye Vatan: (2nd year, issue 4, 10 Shawal 1325/ 16 November 107). [Persian]

